

هیئت داوران نشریه این دوره

دکتر خدیو پارسا، پریسا (دانشگاه تهران)
 دکتر زمزمیان، سید امیر حسین (پژوهشگاه مواد و انرژی)
 دکتر زینالی هریس، سعید (دانشگاه فردوسی مشهد)
 دکتر سلامی کلجاهی، مهدی (دانشگاه صنعتی سهند)
 دکتر صرافی، امیر (دانشگاه شهید باهنر کرمان)
 دکتر عبادی، امان‌اله (دانشگاه صنعتی سهند)
 مهندس عزیز پور، هدایت (دانشگاه تهران)
 دکتر قوی پنجه، فریده (پژوهشگاه مواد و انرژی)
 دکتر کلانی، محمدرضا (دانشگاه آزاد اسلامی - تهران جنوب)

دکتر محبعلی، قاسم (پژوهشگاه صنعت نفت)
 دکتر محبی، علی (دانشگاه شهید باهنر کرمان)
 دکتر محمدرضا، احسانی (دانشگاه صنعتی اصفهان)
 دکتر مستوفی، نوید (دانشگاه تهران)
 دکتر معینی جزئی، امید (دانشگاه اصفهان)
 دکتر مقصودی، حافظ (دانشگاه صنعتی سهند)
 دکتر یغمایی، سهیلا (دانشگاه صنعتی شریف)

دکتر اسدی، رادا (پژوهشگاه صنعت نفت)
 دکتر برقعی، مهدی (دانشگاه صنعتی شریف)
 دکتر بنکدار پور، بابک (دانشگاه صنعتی امیرکبیر)
 دکتر تقی‌زاده، مجید (دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل)
 دکتر حسینی، سعید (دانشگاه تربیت مدرس)
 دکتر حسینی، سید محسن (دانشگاه اراک)
 دکتر حقیقی، محمد (دانشگاه صنعتی سهند)



نقش دانشگاه‌ها در توسعه کشور

کشور در حال تحصیل‌اند که در نگاه اول به نظر می‌رسد با این ظرفیت نباید هیچ خلاء و کمبودی از لحاظ نیروی انسانی داشته باشیم. اما متأسفانه، هنگامی که به آمار و ارقام مراجعه می‌کنیم، پی می‌بریم که تربیت این نیروی انسانی عظیم با هزینه‌های گزاف نه تنها بار عمده‌ای از مشکلات کشور را سبک نکرده بلکه به علت عدم دریافت آموزش‌های مناسب و کاربردی، تنها کسانی با توقعاتی بسیار فراتر از توانایی واقعیشان در جامعه پراکنده شده‌اند.

مثلاً، در کشورهای صنعتی و توسعه‌یافته، به ازای هر پنج فوق دیپلم و تکنسین یک کارشناس وجود دارد. در حالیکه این نسبت در ایران به ازای هر سه کارشناس یک فوق دیپلم است.

در کشور آلمان، در مقابل حدود ۱۰۲ دانشگاهی که به دقت کارهای تحقیقاتی و آموزشی را انجام می‌دهند، ۱۷۰ واحد دانشگاه علوم کاربردی دایر است که رویکردی به شدت علمی و تجربی دارند و بین آنها و دنیای کار و اشتغال پیوند تنگاتنگی برقرار است. در این دانشگاه‌ها تأکید اصلی بر فراگیری فناوری، طراحی، بازرگانی و مسائل اجتماعی است که طبعاً آموزش دیدگان این رشته‌ها بر مبنای نیازهای کاربردی جامعه تربیت و بلافاصله به بازارهای کار جذب می‌شوند. علاوه بر اینها، مؤسسات آموزشی دیگری دایرند که مدارک آنها معادل دانشگاه‌های علوم کاربردی است و دانشجویان خود را از میان داوطلبان شاغل به منظور تکمیل مهارت‌های مورد نیاز نهاد محل خدمت آنها می‌پذیرند. با توجه به مطالب یادشده، به نظر می‌رسد نیازمند بازنگری و بازتعریف راهبردهای مناسب برای توسعه علم و فناوری و تربیت نیروی انسانی، مطابق با نیازهای واقعی کشور برای اهداف توسعه‌ای هستیم. جنبه‌های کاربردی علوم انسانی باید در کنار مباحث علمی و فنی جزء برنامه آموزشی قرار گیرد تا فارغ‌التحصیلان نسبت به اهداف و نیازهای آتی کشور شناخت کامل‌تر و جامع‌تری پیدا کنند. ضروری است که سیاست‌گذاران نیز مجدداً ساختارهای علمی و تحقیقاتی را بررسی و سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه و آموزش را به نحوی تعیین کنند که جامعه از آن منتهای بهره را برگیرد.

محمد ایازی

عضو هیئت تحریریه نشریه و

عضو هیئت علمی پژوهشگاه صنعت نفت

پیشینه شکل نوین آموزش عالی و آکادمیک در ایران به یک صد سال و به صورت جامع، به دوران نظامیه و حتی ساسانیان برمی‌گردد. پس از اسلام، آموزش عالی در سزمرین‌های اسلامی فراگیر شد. مدارس نظامیه در دوران سلجوقی در شهرهایی چون بغداد، نیشابور و اصفهان دایر شد. در مراغه، خواجه نصیرالدین طوسی پژوهشکده و رصدخانه‌ای تأسیس کرد که بنابر بعضی اقوال، بیش از ۴۰/۰۰۰ جلد کتاب داشت که از اقصی نقاط جهان جمع‌آوری شده بود.

در سال ۱۸۱۱، اولین دانشجوی ایرانی به منظور تحصیل به فرنگ اعزام شد و در سال ۱۹۳۰ تعداد این دانشجویان از ۱۵۰۰ نفر فراتر رفت. در سال ۱۳۱۳ دانشگاه تهران تأسیس شد و در سال ۱۳۱۶ برای نخستین بار زنان ایرانی به دانشگاهها راه یافتند.

متخصصان علوم اجتماعی و صاحب‌نظران بر این باورند که کلیه مسائل و مشکلات جامعه از هر نظر باید از مجرای دانشگاه و به یاری دانشگاهیان حل و فصل شود، زیرا افرادی که سالیان سال در یک حوزه مشخص تحصیل و سپس تحقیق کرده‌اند، بیش از سایرین با زیر و بم کارها آشنایی دارند و می‌توانند بر روند توسعه و پیشرفت جامعه تأثیر پر دامنه و ژرفی بگذارند. دانشگاه در کنار کارکرد اصلی خود که تولید و انتقال دانش است، کارکردهای دیگری هم دارد که شاخصه پیشرفت کشورهای صنعتی بهره‌گیری از تمامی این ظرفیت‌ها است. یکی از این کارکردها تربیت نیروی انسانی است که در نهادها و بنگاه‌های اقتصادی و اجتماعی جذب شوند تا در خدمت توسعه کشور قرار گیرند. دانشگاه باید محیطی باشد که علاوه بر رشد و اعتلای علمی افراد، تجربه ورود به عرصه‌های زندگی، پذیرش مسولیت، تعاون و همکاری را آموزش دهد تا فارغ‌التحصیلان آن بتوانند به خوبی به مسولیت‌های خود در جامعه جامه عمل بپوشانند. یکی دیگر از مأموریت‌های دانشگاه‌ها تغییر نگرش و القای ارزشهای متعالی در ذهن دانشجویان است تا آنان نیز این فرهیختگی را در سطح جامعه بسط و گسترش دهند. به راستی دانشگاه‌ها مهمترین پایگاه ایجاد تغییرات کلی جامعه در راه اعتلاء و توسعه به شمار می‌آیند. این هدف مهم حاصل نمی‌شود مگر با شناخت دقیق کمبودها و نیازهایی که به منظور حل و فصل مشکلات توسعه همه جانبه کشور و برنامه‌ریزی دقیق برای تربیت نیروی انسانی در جهت رفع آنها و نه تولید مدرک به آن نیاز داریم. بر اساس آمارهای موجود، حدود ۴/۵ میلیون دانشجو در بیش از ۲۱۰۰ رشته تحصیلی در دانشگاه‌های مختلف